تیتر روز

روحانی: برای بعضی‌ها فحش فقط مخصوص دولت است و شخص رئیس جمهور

بعضی‌ها: نه اتفاقا اگه دل مون بخواد به بقیه هم فحش میدیم!

فرمانده عملیات مدیریت کرونای تهران: هنوز تصمیمی برای تعطیلی جشنواره فجر گرفته نشده است

سلبریتی‌ها: پس فعلا به بغل کردن همدیگه ادامه بدیم؟!

رئیس سازمان هواپیمایی: ۸ فروند هواپیمای غربی وارد کشور شده اند که تولید سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ میلادی هستند

مسافران: عادت نداریم به این چیزها، ممکنه از خوشحالی سقوط کنیم!

وزیر بهداشت: خیز ملایمی را در میزان بیماران سرپایی در برخی استان‌ها مشاهده می کنیم

دارکوب: اشکال نداره، به شیب ملایم و خیز ملایم و این چیزهای ملایم عادت داریم!

معاون وزارت ورزش و جوانان: مزدوجین دریافت وام ازدواج را به سال بعد موکول نکنند

مزدوجین: یعنی ممکنه از این هم کمتر بشه؟!

روحانی: سال سختی بر دانش آموزان گذشت

والدین دانش آموزان: سال سخت فقط یک روزش بود!

رئیس سازمان نظام روان‌شناسی: سونامی اختلالات روانی در پیش است

دارکوب: بذارین اول از سونامی کرونا زنده بیرون بیایم، بعد یه فکری برای اختلالات روانی مون می کنیم!

کله چغوکی

آق کمال به اورژانس می‌رود

آق کمال
همه کاره و هیچ کاره

چشم‌تان روز بد نبینه، چی هفته‌ای ره گذروندم. خانه آقام اینا بودم که آخر شب حال مادرُم بد شد. زنگ زدم اورجانس که خداره شکر مادرُم حالش جا آمد ولی نمشد اطمینان کرد. دم بچه‌های اورجانس گرم که خیلی زود رسیدن و معاینه کردن و گفتن چیزی نیست، ولی اگه مِخن محض احتیاط ببرمشان بیمارستان که دکتر ببینه. از اوبَر مادرُم هی مگفت مو که خوبُم، آقام هم مگفت مِرم کرونا هم مگیرِم، ولی عیال گفت اگه برن خیال مان راحت مِره.

خلاصه مادرُم و آقام با آمبولانس رفتن، مویم با ماشین و بچه‌ها ماندن خانه. ولی چشم‌تان روز بد نبینه که چی خبر بود! یعنی تعداد پرسنل بیشتر از مریض‌ها و همراه‌شان بود. یکی می‌آمد تخت ره مکشید، اویکی می‌آمد هل مداد، یکی دستگاه فشارخون وصل مکرد و مرفت، اویکی بعد از نیم ساعت می‌آمد قطعش مکرد. همراه‌های بیمار سِرم به دست دنبال یکی مگشتن که به بیمارشان وصل کنه، یَگ عده هم دنبال کسی بودن که سِرم تموم شده مریض‌شانه جدا کنه!

حالا ای وسط آقام عصبانی، مویم سعی مکردُم آرومشان کنُم و حواسُم به مادرُم باشه که هی از خودش سلفی میگیریفت و استوری مکرد! بالاخره بعد از چند ساعت یَگ دکتری گفت ببرنش سی‌تی اسکن. یَگ نفر هم باهامان آمد و خودُم و آقام تخت ره هل دادم بردم. دیدُم آقام دره به مرز انفجار مرسه، خواستُم حواسشه پرت کنُم که از پرستاره پرسیدُم: «دختره یا پسر؟!» اویم نه ورداشت و نه گذاشت و گفت: «دوقلویه!» اِنا حالا خوب رفت! عصبانیت آقام در یَگ ثانیه تبدیل شد به گیجی که پرستاره فهمید و گفت شوخی کردم!

خلاصه که به خیر گذشت و صبح مادرُم بدون مشکل مرخص شد. خدا گذر کسی ره به بیمارستان نندازه. ولی نکته عجیب ای بود که هیچ کس از مریض‌ها و همراهاشان تست کرونا که هیچ، تب‌سنجی هم نمکرد و همی جور تو شیکم هم ملولیدم. مریض‌ها و همراهاشان که همه دوتا سه‌تا ماسک داشتِم و دم به ساعت دستامانه ضدعفونی مکردم. ولی از ما گفتن بود، کادر درمان اگه بیشتر مراقب خودشان باشن، اِنقد کرونا نمیگیرن و از کار و زندگی نمی‌افتن. ایم از ای.

آغاز به کار جشنواره فیلم فجر زیر سایه کرونا!

کارتونیست: محمد جواد طاهری

سوژه روز

مسابقه بی جایزه!

دارکوب: خب بچه‌ها امروز یه مسابقه داریم!

دومی: جان؟ شما این جا چی کار می کنی؟

اولی: اومده کمک من که پیر شدم از دست شماها! بپرس که جا کم داریم.

دارکوب: به نظر شما چرا بازیگرها و ورزشکارهامون باید برن ملاقات بیمارهایی که تو بخش کرونا بستری شدن و حتی بی هوشن؟

اولی: برای روحیه دادن به مردم؟

دومی: چون علاوه بر سلبریتی بودن، لابد اطلاعات پزشکی هم دارن و می‌تونن به کادر درمان مشاوره بدن!

سومی: چون بعدش بیان بیرون و کلیپ ضبط کنن و احوال بیمار رو برای فالوئرهاشون شرح بدن!

دارکوب: جواب‌ها رو به عهده خود مخاطبان می گذاریم. سوال بعدی، چرا تو این شرایط کرونایی که ساعت ۹ شب همه باید تعطیل کنن، جشنواره فیلم با این شلوغی برگزار می شه؟

اولی: چون سینمای ایران معطل این جشنواره است و باید بهش رونق داد تا چرخ‌های صنعت سینما بچرخه.

دومی: چون یک ساله هنرمندهامون تو هیچ جایی ظاهر نشدن و دل‌شون داره می‌پوسه و باید بیان بین مردم تا فراموش نشن!

سومی: چون متاسفانه الان کرونا گرفتن هنرمندان مد شده!

دارکوب: امان از دست شما! سوال آخر، عیدی کارمندان دولت یک میلیون و ۵۰۰ اعلام شده، به نظرتون باهاش چی کار کنن؟

اولی: برگردونن به خود دولت بابت عوارض و مالیات و قسط وام‌هاشون!

دومی: فکر کنن اصلا همچین چیزی نیست، برن باهاش تو بورس سهام بخرن و خلاص!

سومی: شیرینی و آجیل و میوه بخرن و خودشون تنهایی بخورن، چون خوشبختانه امسال هم مثل پارسال خبری از دید و بازدید نیست!

جهانگیری: باز از اون مواد به میکروفن نزن که حرف هام رو برعکس پخش کنه!

رئیس سازمان محیط زیست: چرا این شیر بدبخت به این حال و روز افتاده؟
-عه گنجشکه رو نگاه کنین!

درحاشیه افتتاح سایت آرزوها

کارتونیست: مسعود ماهینی

فال روز

ای صاحب فال، حالا دو روز موز نخور! برای این می گوییم که چه اجباری است وقتی چیزی این قدر بی حساب و کتاب گران می‌شود، فوری می‌رویم آن را می خریم؟ دو روز موز نخور تا ارزان شود، سه روز مرغ نخور، یک هفته برنج نخور، ۱۰ روز روغن مصرف نکن، یک ماه ماشین نخر، یک سال خانه اجاره نکن و... چی شد؟ اصلا هر طور خودت صلاح می‌دانی!

شعر روز

مادر

چینِ ما را اتو کند مادر
پارگی را رفو کند مادر
پدرم جنگ با عمویم کرد
صلح با زن عمو کند مادر
دردِ را شربتی کند شیرین
ضعف را قوّتو کند مادر
تا که جنسی بگیرد ارزان‌تر
شهر را زیر و رو کند مادر
باغبانِ بدونِ باغ است او
شلغمت را هلو کند مادر
داد بابا همیشه ما را «لو»
راز ما را «مگو» کند مادر
محرمِ حرف هر کس است اما
با خودش گفت و گو کند مادر

امیرحسین خوش حال

مصرف شدن!

در بساط فرش‌بافان دار مصرف می‌شود
بین عشاقان فقط دیوار مصرف می‌شود
محض روشن ماندن فانوس غیبت دست کم
چندتایی آدم بیمار مصرف می‌شود
آن همه الفاظ خوب و حرف‌های دلنشین
از زبان تنها همین مقدار مصرف می‌شود!
از دواج از رونق افتاده وَپایین آمده
پس سریعا مبحث آمار مصرف می‌شود
آن جوانانی که بوی دود و قلیان می‌دهند
یحتمل در بین‌شان سیگار مصرف می‌شود
درس و دانشگاه هم کلا شبیه شوخی است
حیف، تنها جوهر خودکار مصرف می‌شود
آن که پیوسته زبانش نیش دارد بی‌دلیل
در غذایش احتمالا مار مصرف می‌شود!
در رژیم دسته پُرچانه‌ها هم، شک نکن
مطمئنا چند وعده سار مصرف می‌شود
بین مسئولان به‌جای پاسخ و روشنگری
بی‌محابا واژه انکار مصرف می‌شود
اکثر اوعده و عیدی که به مردم می‌دهند
در عمل وامانده، در گفتار مصرف می‌شود!
در میان عده‌ای صاحب‌نظر در رادیو
بحث‌هایی از سر اجبار مصرف می‌شود
جای این که راهکاری، ایده‌ای، چیزی دهند
حرف‌های پوچ و پرتکرار مصرف می‌شود
چون که تی‌وی مانده بی‌برنامه و بی‌بودجه
سال‌ها مجموعه «مختار» مصرف می‌شود!
گاه باید زود کند اکتور شود پُر، لاجرم
هر چه مانده در ته انبار مصرف می‌شود!
یک نفر بنّاست، می‌سازد، یکی هم شاعر ست
واژه پیشش مثل یک ابزار مصرف می‌شود
هم حقیقت باشد و هم محترم، هم با نمک
قافیه طبق همین معیار مصرف می‌شود!

الهه ایزدی

عرضه مستقیم روغن

نوع: کلی، جزئی

قیمت: مصوب تنظیم بازار (الکی)

توضیحات:

به اطلاع همشهریان عزیز می‌رساند عرضه بدون واسطه روغن با شرایط فوق‌العاده زیر آغاز شد:
هر کد ملی ۲۵۰ گرم روغن جامد یا ۲۳۰ سی‌سی روغن مایع
به علت کمبود حلبی و بطری، به همراه داشتن ظرف برای بردن روغن الزامی است. به ازای هر وعده روغن، یک عدد کلوچه تاریخ مصرف نگذشته، دو قوطی پودر دستی، یک شل آبمیوه، سه عدد چای کیسه‌ای و یک عدد رنگ موی پرکلاغی تحویل داده می‌شود